

ترامپ و فشار حداکثری دوباره بر ایران: اصرار بر تجربه شکست خورده

حیدرعلی مسعودی^۱

مقدمه

ورود مجدد دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه 2025 این سؤال را در ذهن بسیاری از تحلیل‌گران و مقامات کشورهای جهان ایجاد کرده است که ترامپ سال 2017 با ترامپ سال 2025 چه تفاوت‌ها و تشابهاتی دارد و چگونه می‌توان با رویکردها و رویه‌های جدید او مواجه شد؟ با وجود اعلام سیاست فشار حداکثری در قالب بخشنامه ترامپ، این سؤال در محافل فکری و سیاست‌گذاری ایران به طور خاص مطرح است که سیاست فشار حداکثری دولت دوم ترامپ چه تفاوت‌ها و تشابهاتی با دولت اول او دارد و چه احتمالاتی در این زمینه مطرح است؟ سیاست فشار حداکثری دولت اول ترامپ بر ضد ایران در قالب سیاست مهار قابل تحلیل است. مهار به معنای استفاده آمریکا از ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و اجتماعی برای تضعیف منابع قدرت ایران است که کمابیش از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون ادامه پیدا کرده است. اما امنیتی‌سازی برنامه هسته‌ای ایران از ابتدای دهه 1380 بهانه مناسبی در اختیار آمریکا قرار داد تا اجماع قدرت‌های بزرگ را بر ضد ایران شکل دهد؛ به گونه‌ای که حتی شرکای ایران مانند روسیه و چین نیز به قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت بر علیه ایران رأی مثبت دادند. برجام در واقع برنامه اقدام مشترک میان ایران و قدرت‌های جهانی برای محدود کردن برنامه هسته‌ای و لغو برخی تحریم‌ها بر ضد ایران بود. برجام در آمریکا مخالفان جدی پیدا کرد که یکی از آن‌ها دونالد ترامپ بود. در این نوشتار، سیاست فشار حداکثری دولت اول و دوم ترامپ با توجه به وضعیت داخلی و منطقه‌ای ایران و همین‌طور وضعیت سیاست بین‌الملل و سپس هزینه‌های تداوم سیاست فشار حداکثری برای آمریکا و در نهایت، گزینه بدیل، یعنی تعامل با ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سیاست فشار حداکثری دولت اول ترامپ در قالب راهبرد مهار

یکی از شعارهای انتخاباتی ترامپ در سال 2016، خروج از برجامی بود که آن را احمقانه‌ترین و بدترین توافق کل تاریخ آمریکا می‌دانست. اگرچه ترامپ تجربه عملی و شناخت مفهومی در حوزه سیاست خارجی نداشت، اما به دلیل اینکه خودش را تاجر و معامله‌گری موفق می‌دانست، بر این باور بود که توافق برجام، توافقی به ضرر آمریکا میان او با ما با حکومت ایران بوده است که بر اساس آن، ایران توانسته میلیارد‌ها دلار به شکل مستقیم و غیرمستقیم منفعت داشته باشد،

¹ استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

ولی آمریکا دستاورد چندانی نداشته است. ترامپ به‌خصوص به تحویل چند میلیون دلار پول نقد به ایران بر اساس برجام بارها اشاره می‌کرد تا اهمیت این مسئله را نشان دهد (Trump, 2017). ترامپ نهایتاً به وعده‌اش عمل کرد و از برجام خارج شد و همه تحریم‌های قبلی را بر اساس دستورات اجرایی مجدداً برقرار کرد.

دولت اول ترامپ و همه زیر مجموعه‌های آن از جمله وزارت خارجه، وزارت خزانه‌داری و حتی سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای همسایه ایران، از تمام ابزارهای اطلاعاتی، دیپلماتیک و اقتصادی خود در جهت اجرای تحریم‌های آمریکا بر ضد ایران و ارباب شرکای تجاری ایران برای توقف مراودات تجاری با ایران یا آنچه ری تکیه، یکی از کارشناسان مسائل ایران در سال 2017 در کنگره آمریکا «بسته همه دیوارهای اطراف ایران» خوانده بود (Takeyh, 2017) استفاده کردند. حتی گفته شد که کنسولگری آمریکا در اربیل عراق تیمی از فعالان اقتصادی و خبرنگاران مزدبگیر را اجیر کرده بود که تعاملات اقتصادی ایران و عراق و تراکنش‌های پولی و مالی ایران در این کشور را رصد کرده و گزارش دهند تا جلوی این فعالیت‌ها گرفته شود. مقامات دیپلماتیک آمریکا به خصوص مایک پمپئو وزیر خارجه وقت و رابین هوک مسئول امور ایران در وزارت خارجه سفرهای متعددی به منطقه داشتند و تلاش کردند گلوگاه‌های اقتصادی و تجاری ایران در کشورهای همسایه ایران را شناسایی و مسدود کنند. مقامات آمریکایی از جمله خود ترامپ بارها به چین هشدار دادند که در صورت مراوده تجاری و خرید نفت ایران، از تجارت با آمریکا محروم خواهند شد. هدف اعلام شده دولت اول ترامپ از اعمال فشار حداکثری بر ایران، به ورشکستگی کشاندن اقتصاد ایران و وادارسازی ایران به مذاکره مجدد برای رسیدن به توافق بهتر بود. ترامپ از طریق واسطه‌های مختلف مانند امانوئل مکرون و شینزوآبه، تلاش کرد با مقامات ایرانی از جمله حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت و آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران ارتباط مستقیم پیدا کند. اما این امر به دلیل مخالفت طرف ایرانی به جایی نرسید و ایران حاضر نشد با دولت ترامپ وارد مذاکره شود.

فشار حداکثری آمریکا به ایران و عدم تمایل ایران به مذاکره مجدد درباره برجام را به لحاظ مفهومی باید بر اساس الگوی مقاومت ایران در مقابل آمریکا تحلیل کرد. این الگوی ایران عمدتاً مبتنی بر تقویت اقتصاد مقاومتی از جمله با دور زدن تحریم‌ها از طریق ناوگان ارواح و شیوه‌های تعامل پولی و مالی غیر دلاری و مبتنی بر معاملات پایاپای، گسترش روابط تجاری با کشورهای آسیایی به خصوص چین، گسترش تجارت با اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Masoudi, 2024: 183)، توسعه روابط ایران با کشورهای جنوب جهانی در قالب بریکس، گسترش مناسبات تجاری و اقتصادی با کشورهای آفریقایی و تعمیق روابط اقتصادی، سیاسی و امنیتی با برخی کشورهای آمریکای لاتین مانند ونزوئلا و کوبا حرکت کند. می‌توان راهبرد ایران در مقابل فشار حداکثری ترامپ را راهبرد ضد مهار دانست. بر اساس این راهبرد، ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای تلاش می‌کند با توسعه و متنوع کردن و در واقع گسترش افقی و عمودی روابط و تعاملات خود با کشورهای دیگر از خفگی راهبردی/ژئوپلیتیک خود توسط قدرت هژمون جلوگیری کند.

وضعیت داخلی و منطقه‌ای ایران

همزمان با اعمال فشار حداکثری ترامپ، همه‌گیری کرونا در جهان و به تبع آن در ایران، فشار سنگین اجتماعی و اقتصادی مضاعفی به جامعه و نظام سیاسی ایران وارد کرد. بسیاری از تعاملات تجاری و اقتصادی ایران با جهان به دلیل شرایط و مقررات خاص کرونایی متوقف شد یا هزینه‌های آن افزایش یافت. هزینه‌های اجتماعی و درمانی دولت چند برابر شد، فشار اجتماعی و سرخوردگی روانی ناشی از اخبار روزانه درباره مرگ و میرهای ناشی از کرونا افزایش پیدا کرد و کارآمدی نظام حکمرانی برای مقابله با کرونا از جمله از طریق واردات یا تولید به موقع واکسن به شدت زیر سؤال رفت. بنابراین کشور با دو عامل فشار حداکثری ترامپ و بحران حداکثری ناشی از کرونا مواجه بود ولی باز هم تاب‌آوری ملی به گونه‌ای بود که منجر به فروپاشی اجتماعی و سیاسی نشد.

علی‌رغم ناکارآمدی فراوان در مقابله با کرونا و نارضایتی گسترده معیشتی و اقتصادی مردم، نظام سیاسی توانست با واردات دیر هنگام واکسن از چین، مرگ و میر ناشی از کرونا را کنترل کند و با اتخاذ برخی سیاست‌های اقتصادی، ثبات نسبی را به اقتصاد برگرداند (World Bank Group, 2022). ایران توانسته با دور زدن پرهزینه تحریم‌ها، فروش نفت را به سطح قابل قبولی برساند و بخشی از عایدات آن را به کشور بازگرداند و علی‌رغم حادثه فوت ابراهیم رئیسی جمهور در حادثه هلیکوپتر، در کوتاه‌ترین زمان ممکن انتخابات نسبتاً معنادار با حضور طیف‌های فکری مختلف برگزار کند. در شرایط کنونی، دولت پزشکیان که حمایت بخش‌های مهمی از طبقه متوسط و پایین جامعه را دارد تلاش می‌کند با ایجاد ثبات در اقتصاد کلان، به بازتوزیع منابع کشور و رفع ناترازی‌ها بپردازد. همکاری همه نهادهای حکمرانی با رویکردها و سیاست‌های دولت ذیل چتر وفاق ملی می‌تواند کشور را در مواجهه عقلانی، حساب شده و دوراندیشانه با رویکردها و اقدامات دولت ترامپ کمک کند.

از نظر اعضای دولت دوم ترامپ، خاورمیانه همچنان دارای اهمیت راهبردی نه تنها برای آمریکا بلکه برای روند سیاست بین‌الملل در قرن 21 است. به تعبیر مارک روبرو وزیر خارجه دولت ترامپ، در کنار اهمیت کانونی تهدید چین و روسیه برای آمریکای دوران ترامپ، تلاش ایران برای ایجاد «نظم منطقه‌ای اسلامی»² در خاورمیانه یکی از سه چالش عمده آمریکا خواهد بود که سرنوشت سیاست بین‌المللی در قرن 21 را رقم خواهد زد (Rubio, 2023). بنابراین بررسی نقش و جایگاه ایران در رقابت‌ها/ منازعات منطقه خاورمیانه اهمیت راهبردی دارد. به لحاظ وضعیت منطقه‌ای نیز باید گفت که در دولت اول ترامپ، روابط ایران با قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار داشت. اعدام برخی از رهبران شیعه در عربستان و متعاقب آن، حمله به اماکن دیپلماتیک عربستان در ایران منجر به قطع روابط رسمی میان دو کشور شد. جنگ محدود میان عربستان و یمن ادامه داشت و اتهام عربستان به ایران این بود که از

² Islamist regional order

حمله حوثی‌ها به عربستان سعودی به خصوص حمله موشکی و پهپادی به تأسیسات نفتی آرامکو حمایت نظامی و تسلیحاتی کرده است.

بعد از زورآزمایی منطقه‌ای چند ساله ایران و عربستان، دو کشور به این نتیجه رسیدند که مسیر تقابل را کنار بگذارند و همزیستی مسالمت‌آمیز منطقه‌ای را در پیش گیرند. دو طرف دلایل خاص خودشان را برای اتخاذ چنین رویکردی داشتند. از یک طرف، ایران با هدف کاهش انگیزه عربستان برای نزدیکی به اسرائیل و از طرف دیگر، عربستان به دلیل الزامات ناشی از چشم‌انداز برنامه توسعه 2030 و همچنین پیشبرد رویکرد مصون‌سازی راهبردی³ در سیاست خارجی (Barnes-Dacey and Bianco, 2024)، هر دو مایل به برقراری روابط دیپلماتیک بودند که با وساطت چین به انجام رسید. اگرچه گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و عربستان سعودی به کندی پیش می‌رود اما عملیات طوفان الاقصی و جنگ ناموفق ۱۵ ماهه اسرائیل با غزه، مواضع دو طرف را درباره برخی از مسائل حساس منطقه‌ای نزدیک‌تر از قبل کرده است.

از طرف دیگر، با وجود آسیب جدی به گروه‌های مقاومت تحت حمایت ایران در جنگ 15 ماهه با اسرائیل، ایران برای اولین بار اقدام به عملیات موشکی بر ضد اسرائیل از داخل خاک خود کرد. اگرچه این عملیات‌ها برای ایجاد تلفات انسانی در داخل اسرائیل طراحی نشده بود، اما رد شدن بسیاری از موشک‌های ایرانی از لایه‌های متعدد سامانه‌های پدافندی اسرائیل، نشان داد که اگرچه اسرائیل می‌تواند با برتری فناوری نظامی و از طریق بسیج امکانات و تجهیزات دفاعی و تهاجمی متحدان خود از جمله آمریکا با حملات ایران مقابله و حتی برخی ضربات تاکتیکی به ایران وارد کند، اما ایران نیز توان و اراده حمله مستقیم به اسرائیل را در صورت لزوم دارد و شاید به همین دلیل است که ترامپ در پاسخ به ادعای خبرنگاران مبنی بر ضعیف شدن ایران، این ادعا را رد می‌کند و ایران را همچنان قدرتمند می‌داند (Trump, 2025).

وضعیت سیاست بین‌الملل و فشار حداکثری دولت دوم ترامپ

وضعیت کنونی سیاست بین‌الملل با وضعیت سال‌های دولت اول ترامپ از جهات بسیاری متفاوت است و این می‌تواند بر امکان و شیوه اعمال فشار حداکثری دولت دوم ترامپ بر ضد ایران تأثیر بگذارد. اگرچه پیروزی ترامپ در انتخابات سال 2024 دور از انتظار نبود، اما پیروزی قاطع او این ادراک را در جهان تقویت کرد که رویکرد ملی‌گرایی ترامپیستی که به معنای تلفیق مرکانتیلیسم تجاری، تعهدگریزی جهانی و توسعه‌طلبی سرزمینی است، از پشتوانه قوی در جامعه آمریکا برخوردار است و احتمالاً در دهه‌های پیش‌رو ادامه خواهد یافت (Chotiner, 2025) نکته اینجاست که بسیاری از محافل فکری جهان به این نتیجه رسیده‌اند که ظهور ترامپ را دیگر نمی‌توان دیگر یک اتفاق کوچک در سیاست آمریکا دانست

³ Strategic Hedging

بلکه باید آن را نماد واقعی آمریکای کنونی تلقی کرد (The Nation, 2024). زمانی که متحدان و رقبای آمریکا انتظار تغییر بنیادین در رویکرد و رویه سیاست خارجی آمریکا را دارند، احتمالاً آنها نیز در رویکردها و رویه‌های خود تجدیدنظر خواهند کرد. متحدین آمریکا در اروپا و آسیا نسبت به آمریکا بی‌اعتمادتر خواهند شد و ایده خود اتکایی امنیتی و اقتصادی را بیش از پیش مطمح نظر قرار خواهند داد. بسیاری از حوزه‌ها و موضوعات مورد اجماع میان آمریکا و متحدان این کشور مانند مسئله هسته‌ای ایران به موضوع چانه‌زنی میان آنها بدل خواهد شد.

اروپا: اگرچه آمریکا و اروپا در اعمال فشار بر ایران برای مذاکره و توافق در دوره پسا اکتبر ۲۰۲۵ اجماع نسبی خواهند داشت، اما وزن دیپلماتیک آمریکا در اجماع‌سازی چندجانبه بر سر موضوع ایران کاهش خواهد یافت چرا که ترامپ تمایل دارد مسائل بین‌المللی را به شکل دوجانبه حل و فصل کند و از این طریق، چهره‌ای استثنایی و منحصر بفرد از یک رهبر توافق‌ساز و معامله‌گر را از خود به تصویر بکشد. در این صورت، اگرچه اروپا با فشار حداکثری ترامپ بر علیه ایران همراهی خواهد کرد اما برای رسیدن به توافقی جدید با ایران، به‌گونه‌ای که شامل دغدغه‌های مجموعه کشورهای اروپایی باشد، از ابزارهای دیپلماتیک خود استفاده خواهد کرد (Ero, 2025). چنین وضعیتی نمی‌تواند خبر خوبی برای ایران باشد چرا که در این صورت، هم تیغ فشار حداکثری ترامپ تیزتر خواهد بود، هم رسیدن به توافق جایگزین برجام دشوارتر.

چین: چین به خواسته دولت اول ترامپ مبنی بر توقف یا کاهش خرید نفت خام از ایران تن داد و به همین دلیل، صادرات نفت ایران به زیر ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. عجیب نیست که اعمال فشار حداکثری در دولت دوم ترامپ نیز با تحریم شبکه بین‌المللی برای صادرات نفت ایران به چین آغاز شده است. وزارت خارجه آمریکا در تاریخ ۶ فوریه ۲۰۲۵ شرکت سپهر انرژی را تحریم و ادعا کرده است که شبکه بین‌المللی تحت پوشش این شرکت، میلیون‌ها بشکه نفت ایران را به چین صادر کرده است و درآمد آن برای تأمین مالی نیروهای مسلح ایران مورد استفاده قرار گرفته است (US State Department, 2025) اگرچه پالایشگاه‌های کوچک چین^۴ وابستگی نسبتاً زیادی به واردات نفت خام ایران دارند و قطع این واردات می‌تواند تأثیرات منفی جدی بر آنها بگذارد؛ اما بر اساس رویه پیشین دولت چین مبنی بر کاهش شدید واردات نفت ایران در دولت اول ترامپ و همین‌طور وجود گزینه افزایش واردات از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، این احتمال وجود دارد که چین دوباره در مقابل فشارهای دولت ترامپ برای توقف یا کاهش شدید واردات نفت ایران کوتاه بیاید (Soltanzadeh, 2025). البته ممکن است در بده‌بستان جدید میان چین و آمریکا، چین نسبت به این خواسته آمریکا تا حدی مقاومت نشان دهد تا بتواند این امتیاز را به اصطلاح گران‌تر به آمریکا بفروشد و در مقابل، امتیاز بیشتری از آمریکا بگیرد.

⁴ teapots

روسیه: یکی از اصلی ترین شعارهای انتخاباتی ترامپ، پایان جنگ روسیه و اوکراین بوده است. آمریکا تلاش خواهد کرد با اعمال فشار به دو طرف و از طریق دیپلماسی فعال، جنگ را خاتمه دهد. بنابراین هرگونه بدهبستان میان آمریکای ترامپ و روسیه پوتین، متمرکز بر مسئله اوکراین خواهد بود. وجه مشترک طرح های صلحی که از سوی مقامات مختلف دولت ترامپ مطرح می شود، پذیرش بخشی از خواسته های روسیه در اوکراین است. بعضی رسانه ها خبر از درز محورهای برنامه 100 روزه ترامپ برای پایان جنگ روسیه و اوکراین داده اند. به عنوان نمونه، «نیوزویک» ادعا کرده است که این برنامه شامل آتش بس فوری، تشکیل کنفرانس بین المللی صلح با میانجی گری قدرت های جهانی، ممنوعیت عضویت اوکراین در ناتو و اعلام بی طرفی، پیوستن اوکراین به اتحادیه اروپا تا سال ۲۰۳۰، کمک اتحادیه اروپا به بازسازی پس از جنگ، به رسمیت شناختن حاکمیت روسیه بر مناطق اشغالی از سوی اوکراین و لغو تدریجی تحریم های روسیه بسته به پایبندی روسیه به توافق می شود (Newsweek, 2025). اگر حتی بخشی از این موارد در عمل پیاده شود، به معنای امتیاز بزرگ آمریکا به روسیه خواهد بود و در مقابل، آمریکا از روسیه انتظار دارد در برخی حوزه های دیگر امتیازات بزرگی به این کشور بدهد. یکی از این امتیازات می تواند توقف یا کاهش سطح روابط راهبردی روسیه با ایران باشد. بنابراین به نظر می رسد که پرونده ایران و پرونده اوکراین تا حدی به یکدیگر گره خورده اند.

جنگ روسیه در اوکراین به گسترش و تعمیق روابط ایران و روسیه در سال های اخیر منجر شده است؛ به گونه ای که می توان ابعاد راهبردی روابط ایران با روسیه را در دو سطح حمایت دیپلماتیک و همکاری های نظامی تحلیل کرد. موضع دیپلماتیک روسیه در واکنش به اعلام سیاست فشار حداکثری ترامپ - آنگونه که ماریا زاخارووا سخنگوی وزارت خارجه روسیه بیان کرد - این بود که فشارهای خارجی و تحریم ها مانع همکاری های ایران و روسیه نخواهد شد بلکه حتی ممکن است به عنوان کاتالیزور باعث پیشرفت برخی تماس های دوجانبه شود (ایرنا، 1403). ایران نسبت به تداوم حمایت دیپلماتیک روسیه به عنوان عضو دائم و دارای حق وتوی شورای امنیت حتی در دوره ترامپ امیدواری نسبی دارد و تصور می کند که روسیه قطعنامه های تحریمی شورای امنیت بر علیه ایران را وتو خواهد کرد. البته ایران به خوبی می داند که در صورت عدم توافق برای دوران پسا اکتبر ۲۰۲۵، حتی حق وتوی روسیه نیز نمی تواند مانع از بازگشت قطعنامه های تحریمی شورای امنیت بر اساس مکانیزم ماشه در برجام شود. سطح دیگر روابط ایران و روسیه به همکاری های نظامی ایران و روسیه باز می گردد که شامل همکاری در حوزه سامانه های پدافند هوایی، فناوری موشکی و خرید جنگنده های روسی است. به نظر می رسد مقامات آمریکایی در سال های اخیر نسبت به همکاری های نظامی ایران و روسیه حساسیت بیشتری پیدا کرده اند و این احتمال وجود دارد که این همکاری ها در دولت دوم ترامپ آسیب پذیرتر از قبل شود؛ چرا که از یک طرف، روابط شخصی ترامپ و پوتین عامل تسهیل کننده توافق احتمالی بر سر این موضوعات خواهد بود و از طرف دیگر، انتقال فناوری های موشکی و جنگنده های روسیه به ایران می تواند توازن قوای منطقه ای را به ضرر آمریکا و متحدانش

به خصوص اسرائیل تغییر دهد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود که روسیه در مقابل فشار مضاعف آمریکا برای کاهش سطح روابط راهبردی با ایران، انعطاف بیشتری نشان دهد و در عوض، امتیاز بیشتری در مسئله اوکراین از آمریکا دریافت کند.

هزینه‌های سیاست فشار حداکثری برای آمریکا

اعلام سیاست فشار حداکثری دو توسط ترامپ شامل مجموعه‌ای از اقدامات دیپلماتیک، حقوقی، اقتصادی و تجاری در قالب سیاست مهار و با هدف وادارسازی ایران به مذاکره مجدد بر سر موضوعات برنامه هسته‌ای و مسائل منطقه‌ای است. ترامپ در بخشنامه خود برای احیای سیاست فشار حداکثری با عنوان «اعمال فشار حداکثری بر حکومت جمهوری اسلامی ایران، بستن همه مسیرهای ایران به سمت سلاح هسته‌ای و مقابله با نفوذ شرورانه ایران»⁵، قابلیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و بازفرآوری و موشک‌های با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای را «خطری وجودی برای ایالات متحده آمریکا و کل جهان» دانسته و ایران را به «نقض تعهدات پادمانی» از طریق «پنهان کردن سایت‌ها و مواد هسته‌ای اعلام نشده» متهم کرده است. ترامپ خواستار به صفر رساندن صادرات نفت ایران از جمله به چین، منزوی کردن ایران، بستن راههای دور زدن تحریم‌ها در عراق و کشورهای حاشیه خلیج فارس، همکاری با متحدان برای تکمیل مکانیسم ماشه، توقیف محموله‌های نفتی ایران، حفظ اقدامات متقابل علیه ایران در گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و به‌روزرسانی دستورالعمل‌های مرتبط با حوزه کشتیرانی، بیمه و بنادر برای مقابله با صادرات ایران شده است (Trump, 2025). این موارد را می‌توان بسیار شبیه کارزار فشار حداکثری در دولت اول ترامپ دانست که در نتیجه آن، 70 نهاد مالی مرتبط با ایران، 75 تانکر نفت کش و بیش از 970 شرکت و فرد ایرانی تحت تحریم آمریکا قرار گرفتند، صادرات نفت ایران به شدت کاهش یافت و دسترسی ایران به بیش از 10 میلیارد دلار درآمد فروش نفت مسدود شد (US State Department, 2019). بنابراین می‌توان انتظار داشت که در صورت اجرایی شدن بخشنامه جدید ترامپ، صادرات نفت ایران به شدت کاهش یابد و دور زدن تحریم‌های آمریکا سخت‌تر شود.

باین‌حال، هزینه‌های سیاست فشار حداکثری بر ایران برای آمریکا و دولت ترامپ بیش از پیش خواهد بود؛ اعمال سیاست فشار حداکثری اگرچه هزینه‌های زیان‌باری برای ایران به دنبال خواهد داشت، اما از یک‌طرف، شروع مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا را سخت‌تر خواهد کرد و از طرف دیگر، در بلندمدت هزینه‌های سیاسی و بین‌المللی برای آمریکا به بار خواهد آورد. فهم متعارف این است که به این دلیل که آمریکا فاقد روابط سیاسی اقتصادی با ایران است، بنابراین تحریم ایران نه تنها ضرر و زیانی برای آمریکا در پی نخواهد داشت بلکه هم ایران را ضعیف‌تر خواهد کرد، هم مانع از بهره‌مندی رقبای آمریکا مانند چین و روسیه از تعامل اقتصادی و سیاسی با ایران خواهد شد. اما مسئله به همین جا ختم

⁵ Imposing Maximum Pressure on the Government of the Islamic Republic of Iran, Denying Iran All Paths to a Nuclear Weapon, and Countering Iran's Malign Influence

نمی‌شود. اعمال سیاست فشار حداکثری دو منجر به برخی آسیب‌ها و زیان‌های بین‌المللی برای آمریکا در بلندمدت خواهد بود که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

تضعیف قدرت دیپلماتیک آمریکا: اعمال فشار حداکثری دو بر ضد ایران، مسیر اعتمادسازی اولیه برای شروع مذاکره

جدید را ناهموارتر خواهد کرد. خروج دولت اول ترامپ از برجام برخلاف موازین مندرج در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و علی‌رغم پایبندی کامل ایران به برجام انجام شد و منجر به تحمیل خسارت صدها میلیارد دلاری به ایران شده است. ایران حتی یک سال بعد از خروج آمریکا از برجام، منتظر جبران طرف‌های باقیمانده در برجام ماند و پس از ناامیدی کامل از طرف‌های اروپایی، کاهش تدریجی تعهدات هسته‌ای خود را آغاز کرد. ادراک مقامات ایرانی در شرایط کنونی این است که دولت آمریکا به شدت غیرقابل اعتماد است و آمریکا ابتدا باید اقدامات اولیه‌ای برای جلب اعتماد ایران انجام دهد. عباس عراقچی وزیر خارجه ایران آزادی‌داری‌های مسدود شده ایران را گام اعتمادسازی اولیه آمریکا می‌داند (عراقچی ۱۴۰۳ الف). ضمن اینکه جبران خسارت وارد شده به ایران ناشی از خروج آمریکا از برجام می‌تواند یکی از مطالبات اولیه ایران باشد. موضع رسمی وزیر خارجه ایران این است که به دلیل اینکه آمریکا از برجام خارج شده است، فعلاً نمی‌تواند طرف مذاکره قرار گیرد (عراقچی ۱۴۰۳ ب). اما ادراک مقامات دولت ترامپ این است که اگرچه برجام به شکل دوفاکتو بی‌معنا شده است و چیزی از آن باقی نمانده است، اما آمریکا باید از زمان باقیمانده تا اکتبر ۲۰۲۵ که قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به عنوان پشتوانه حقوقی برجام رسماً منقضی خواهد شد، برای استفاده از مکانیزم ماشه برای فشار به ایران استفاده کند. به همین دلیل، ترامپ در بخشنامه فشار حداکثری بر ایران، از نماینده دائم آمریکا در سازمان ملل می‌خواهد به «همکاری با متحدان کلیدی برای تکمیل مکانیزم ماشه و محدودیت‌های بین‌المللی علیه ایران» مبادرت کند (Trump, 2025).

مدت زمان باقیمانده تا اکتبر ۲۰۲۵ هم می‌تواند فرصت پنجره فرصت طلایی برای مذاکره جدی و معنادار ایران و همه طرف‌های باقیمانده برجام به علاوه آمریکا باشد؛ هم می‌تواند به فرصت از دست‌رفته ناشی از اصرار آمریکا به سیاست فشار حداکثری و اصرار ایران به عدم مذاکره مستقیم با آمریکا تبدیل شود. فشارهای حداکثری دولت اول ترامپ با اینکه منجر به کاهش شدید صادرات نفت ایران شد، اما در دستیابی به هدف اصلی خود یعنی وادار کردن ایران به مذاکره مجدد بر سر برنامه هسته‌ای اش شکست خورد و بر خلاف رویکرد حداکثری خود، به نتایج حداقلی رسید (Tabatabaei, 2019). این در حالی بود که رقابت‌های راهبردی آمریکا با چین و روسیه به سطح تنش‌آمیز و نگران‌کننده کنونی نرسیده بود. ضمن اینکه در زمان اعمال فشار حداکثری دور اول، ایران به لحاظ داخلی گرفتار همه‌گیری کرونا شده بود و فشار اجتماعی و هزینه‌های نظام درمانی شدیدی را تحمل می‌کرد. اگر فشار حداکثری اول ترامپ نتوانست ایران را به میز مذاکره بیاورد، فشار حداکثری دوم نیز نخواهد توانست به این هدف نائل آید چرا که اولاً نظام سیاسی ایران خود را در

خشتی‌سازی فشار حداکثری دور اول تا حد زیادی موفق می‌داند و بنابراین آمادگی و توان بیشتری برای مقابله با نسخه جدید فشار حداکثری در خود می‌بیند. ثانیاً ایران راه مذاکره و توافق با آمریکا را آزموده است و عهدشکنی آمریکا را به عینه دیده است و بنابراین فشار حداکثری جدید را مهر تأییدی بر بی‌اعتمادی بنیادین خود به آمریکا می‌داند و به راحتی حاضر نخواهد بود که هزینه سیاسی مجددی برای مذاکره و رسیدن توافقی بی‌پشتوانه و بدون انتفاع اقتصادی واقعی را بپردازد.

کاربرد بیش‌ازحد تحریم و تضعیف دلار: در شرایط کنونی آمریکا با ایران مرادۀ اقتصادی ندارد و بنابراین تحریم ایران هیچ هزینه اقتصادی مستقیمی در کوتاه‌مدت متوجه آمریکا نخواهد کرد. اما بسیاری از کارشناسان سیاسی آمریکا معتقدند که کاربرد بی‌ملاحظه و بیش‌ازحد تحریم‌ها در بلندمدت می‌تواند اعتماد کشورها به ساختارهای پولی و مالی بین‌المللی به رهبری آمریکا را کاهش دهد و گرایش به سمت ساختارهای جایگزین و مصون از تحریم آمریکا را تقویت کند (Norrlöf, 2023). این گرایش هم اکنون به شکل دوجانبه میان برخی از اعضای بریکس مانند چین/برزیل، ایران/روسیه و ایران/چین دنبال می‌شود. مارک روبرو وزیر خارجه آمریکا نسبت به دلار زدایی از معاملات تجاری بین برزیل و چین ابراز نگرانی کرده است و هشدار داده که ادامه این روند می‌تواند منجر به تضعیف دلار به عنوان ابزار تحریمی در دست آمریکا شود. ترامپ نیز به اعضای بریکس هشدار داده که چنانچه به سمت استفاده از ارزهای جایگزین دلار حرکت کنند، با تنبیه‌های آمریکا مواجه خواهند شد. در اجلاس سران بریکس در روسیه در سال ۲۰۲۴، روسیه پیشنهاد ایجاد پل بریکس^۶ به عنوان نظام پرداخت میان اعضای بریکس با استفاده از تجربه ارزهای دیجیتال را ارائه کرد که اگرچه مورد اجماع قرار نگرفت ولی مطرح شدن آن نشانه‌ای از روندهای احتمالی آینده است. اعمال بیش‌ازحد تحریم‌های اقتصادی آمریکا بر ضد رقبا و دشمنان آمریکا در کنار اعمال تعرفه‌های تجاری بر ضد متحدان و شرکای تجاری آمریکا از یک‌طرف، رقبا و دشمنان آمریکا را به سمت ایجاد نظام‌های پولی و مالی جایگزین ترغیب خواهد می‌کند و از طرف دیگر، متحدان و شرکای تجاری آمریکا را نسبت به چشم‌انداز بلند مدت روابط اقتصادی و تجاری با آمریکا بی‌اعتمادتر کرده و آن‌ها را به اقدامات متقابل وادار خواهد کرد. در مجموع، فشار حداکثری دو نمی‌تواند گام اولیه مثبت برای ترغیب ایران به مذاکره مستقیم با آمریکا تلقی شود. بلکه منجر به بالاتر رفتن هزینه مذاکره با آمریکا در داخل ایران خواهد شد و در نتیجه، اجماع‌سازی برای مذاکره و رسیدن به توافق جایگزین برجام برای دوران پساکتبر ۲۰۲۵ را مشکل‌تر خواهد کرد. بنابراین آن‌گونه که «اندیشکده اول آمریکا» در توصیه‌های سیاستی خود به ترامپ تأکید کرده است، آمریکا باید نگاه واقع‌بینانه به عرصه بین‌المللی داشته باشد و منفعت‌گرایی را در بستر رویکرد عمل‌گرایانه پیگیری کند (America First Agenda, 2024).

⁶ BRICS Bridge

نتیجه‌گیری: گزینه تعامل مبتنی بر احترام متقابل

مجموعه‌ای از عوامل ایجاب می‌کند که ترامپ از تجربه شکست‌خورده فشار حداکثری در دولت اول خود درس بگیرد و از تکرار آن اجتناب کند. از جمله این عوامل می‌توان به تجربه ناموفق سیاست فشار حداکثری دولت اول او در ترغیب ایران به مذاکره، ناکامی تحریم‌های فراگیر آمریکا و همزمان فشار اقتصادی ناشی از بحران کرونا در فروپاشیدن اقتصاد ایران، تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ و اختلاف‌نظرهای بنیادین آن‌ها درباره مسائل بین‌المللی و جایگاه‌یابی تدریجی ایران در پیمان‌های نوظهور منطقه‌ای و جهانی مانند شانگهای و بریکس اشاره کرد. ادراک مقامات ایرانی این است که اگر ایران توانسته است در مقابل سیاست فشار حداکثری دولت اول ترامپ با همه غافلگیری و ناآشنایی با رویکردهای بی‌سابقه او و با وجود عوامل تقویت‌کننده و تسهیل‌کننده دیگر ایستادگی کند، چرا نتواند در مقابل فشار حداکثری دولت دوم او هم ایستادگی کند؟ باید پذیرفت که علی‌رغم همه هزینه‌های اقتصادی و فشارهای سنگین به زندگی و معیشت مردم عادی، فشار حداکثری آمریکا نتوانست محاسبات و ارزیابی‌های مقامات ایرانی را به گونه‌ای تغییر دهد که منجر به پذیرش خواسته‌های حداکثری آمریکا و دست برداشتن از ابزارهای چانه‌زنی خود شود. اگر آن گونه که ترامپ ادعا می‌کند نگرانی او رسیدن ایران به سلاح هسته‌ای است، معنای عملی آن، اتخاذ رویکرد تعامل مبتنی بر احترام متقابل با ایران است که بر اساس آن، دو طرف به درک مشترک از وضعیت قابل قبول برنامه هسته‌ای ایران و چگونگی رفع عملی تحریم‌های ایران دست یابند. یعنی از یک طرف، ایران شفافیت و نظارت حداکثری بر برنامه هسته‌ای‌اش را بپذیرد و کمیت و کیفیت غنی‌سازی را به سطح غیر حساسیت‌برانگیزی برگرداند و از طرف دیگر، آمریکا بپذیرد که تحریم‌های ایران را به گونه‌ای رفع کند که انتفاع اقتصادی ایران در عمل به طور نسبی تضمین شود. چنین تضمین نسبی اولاً منوط به انجام گام‌به‌گام تعهدات دو طرف، ملموس بودن دستاوردهای اقتصادی مورد انتظار ایران و البته بازگشت‌پذیری تعهدات ایران در صورت نقض عهد مجدد طرف مقابل است. اولین گام برای حرکت در مسیر رسیدن به توافق جایگزین، اقدام اعتمادسازِ کشوری است که از توافق پیشین خارج شده است.

منابع

فارسی

ایرنا (1403) «واکنش سخنگوی وزارت خارجه روسیه به سیاست فشار حداکثری ترامپ درباره ایران»، (1403/11/18) خبرگزاری

جمهوری اسلامی، در دسترس در: www.irna.ir/xjSPgZ

عراقچی، عباس (1403 الف) «مصاحبه وزیر خارجه با شبکه الجزیره» (1403/12/12)، قابل دسترس در:

<https://mfa.ir/portal/allvideos/9413>

عراقچی، عباس (1403 ب) «مصاحبه وزیر خارجه ایران با شبکه خبر ایران»، (1403/10/25)، قابل دسترس در:
<https://mfa.gov.ir/portal/newsview/759812>

انگلیسی

American First Agenda (2024) Deliver Peace through Strength and American Leadership, America First Institute, Available at <https://agenda.americafirstpolicy.com/strengthen-leadership>

Barnes-Dacey, Julien and Bianco, Cinzia (2024) “Mending fences: Europe’s stake in the Saudi-Iran detente”, European Council of Foreign Policy, Available at: <https://ecfr.eu/publication/mending-fences-europes-stake-in-the-saudi-iran-detente/>

Chotiner, Isaac (2025) “The Historical Roots of Donald Trump’s Aggressive Nationalism”, Available at: <https://www.newyorker.com/news/q-and-a/the-historical-roots-of-donald-trumps-aggressive-nationalism>.

Committee On Foreign Relations, United States Senate, One Hundred Eighteenth Congress, First Session, (November 8, 2023), Available at: <https://www.govinfo.gov/content/pkg/CHRG-118shrg55027/html/CHRG-118shrg55027.htm>.

Ero, Comfort (2025) “The Dilemmas Trump Poses for Europe”, Crisis Group, Available at: <https://www.crisisgroup.org/global/dilemmas-trump-poses-europe>.

Masoudi, Heidarali (2024): Iranian Discourses and Practices regarding the US Sanctions: Rouhani and Raeisi Administrations. In Ksenia Kirkham (Ed.): The Routledge handbook of the political economy of sanctions. Abingdon Oxon, New York NY: Routledge, pp. 174–186.

Newsweek (2025) “Donald Trump's '100 Day' Ukraine Peace Plan Leaked: Report”, Available at: <https://www.newsweek.com/donald-trumps-100-day-ukraine-peace-plan-leaked-report-2021215>.

Norrlöf, Carla (2023) ‘Dollar Dominance: Preserving the U.S. Dollar’s Status as the Global Reserve Currency’, Hearing in House Committee on Financial Services, Available at: <https://www.congress.gov/event/118th-congress/house-event/116068>

Rubio, Marco (2023) ‘U.S. NATIONAL SECURITY INTERESTS IN UKRAINE, HEARING BEFORE THE

Soltanzadeh, Amir (2025) “Iran eyes China to avoid nuclear sanctions”, Available at: <https://www.dw.com/en/iran-eyes-china-to-avoid-nuclear-sanctions/a-71300013>

Tabatabaei, Arian (2019) ‘Maximum Pressure Yields Minimum Results: Trump’s favorite foreign-policy doctrine has failed.’ Foreign Policy, Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/03/06/maximum-pressure-yields-minimum-results/>

Takeyh, Ray (2017) Congress.gov. “Assessing the Iran Deal”. February 15, 2025. <https://www.congress.gov/event/115th-congress/house-event/105839>

The Nation (2024) 'There's No Denying It Anymore: Trump Is Not a Fluke—He's America', Available at: <https://www.thenation.com/article/politics/trump-is-america-not-a-fluke/>

Trump (2025) "Iran is 'very strong right now'", Available at: https://www.timesofisrael.com/liveblog_entry/trump-iran-is-very-strong-right-now-and-were-not-going-to-allow-them-to-have-a-nuclear-weapon/

Trump (2025) NATIONAL SECURITY PRESIDENTIAL MEMORANDUM/NSPM-2, available at <https://www.whitehouse.gov/presidential-actions/2025/02/national-security-presidential-memorandum-nspm-2/>

Trump, Donald (2017) 'Trump accuses Obama of lying, says \$400 million to Iran was 'ransom payment', Available at: 'https://www.washingtonpost.com/news/post-politics/wp/2016/08/05/trump-accuses-obama-of-lying-says-400-million-to-iran-was-ransom-payment/

US State Department (2019) Fact Sheet about Maximum Pressure Campaign on the Regime in Iran, available at: <https://2017-2021.state.gov/maximum-pressure-campaign-on-the-regime-in-iran/>

US State Department (2025) "Sanctioning Networks Channeling Revenue to Iran's Military", Available at: <https://www.state.gov/sanctioning-networks-channeling-revenue-to-irans-military/>

World Bank Group (2022) "Iran Economic Monitor- - Adapting to the New Normal: A Protracted Pandemic and Ongoing Sanctions", Available at: <https://www.worldbank.org/en/country/iran/publication/iran-economic-monitor-fall-2021>.